

رفقای نهایت عزیز و ارجمند:

چهارمین سالگرد «اصالت» و عید را برای شما عزیزان تبریک گفته و آرزوی خوشی و سعادت و زنده گی شاد و پایدار برای همه شما عزیزان و نویسنده گان و همه همکاران «اصالت» عزیز تقدیم میدارم. احترامات و تبریکات صیمانه مرا و خانواده ام را به مناسبت عید و چهارمین سالگرد «اصالت» بپذیرید. یک مطلب به مناسبت عید و سالگرد «اصالت» خدمت شما عزیزان ارسال شد. بااحترام زیاد.

رحیم آریا،

افغانستان - کابل

مصاحبه ویژه مبارز برجسته و انقلابی محبوب امریکائی لاتین فیدل کاسترو با خبرنگار روزنامه لاینتا ایتالیا که به تاریخ اول ماه فبروری سال ۱۹۶۱ میلادی در هاوانا صورت گرفته است.

هاوانا - جمهوری کیوبا

فیدل کاسترو:

آیا شمامی خواهید در این باره بنویسید که آیا انقلاب کیوبا سوسیالیستی است؟ بسیار خوب، ما از بیان کلمات هراسی نداریم. خوب، مانند امریکائی ها نگوئید که در این جا کمونیزم است. کمونیزم حتی در خود روسیه نیز وجود ندارد و پس از چهل سال قدرت گیری این موضوع صادق است. طبقه متوسط ملی هنوز هم نقش انقلابی را در امریکائی لاتین بازی می کند. من پیش از این که حملات را بر ضد باتیستا را در سال ۱۹۵۳ آغاز نمایم، نوشته های لنین و مارکس را خواندم.

یک اجتماع به طبقات تقسیم شده است و مبارزه طبقاتی وجود دارد و این یک واقعیت انکار ناپذیر است. امریکائی ها به ما حمله نخواهند کرد. امپریالیزم در حال مردن است یعنی مرگ امپریالیزم چیزی میان خودکشی و مرگ طبیعی است. اگر به ما حمله کند، این خودکشی امپریالیزم است یعنی یک مرگ سریع و قاطع و اگر به ما حمله نکرد، امیدواری زنده گی بیشتر امپریالیزم وجود ندارد.

پرسش: رفیق کاسترو، مشخصات انقلاب کیوبا در چی است؟

پاسخ:

ما نه تنها یک سیستم ظالم را از بین بردیم بل یک رژیم ضد بشری و بورژوائی و یک بیروکراسی و ارتش و پولیس مزدور را نیز نابود کردیم. ما امتیاز خواهی ها، مالکان بزرگ، مونوپولیس های خارجی را از میان بردیم. ما صنایع را ملی ساخته ایم و زمین ها را اشتراکی اعلام نموده ایم. ما با

برده گی انسان از انسان مبارزه می کنیم و می‌خواهیم جامعه تازه و یک طبقه را ایجاد نماییم. امریکائی‌ها می‌گویند که انقلاب کیوبا کمونیستی است. ما خوب میدانیم که این موضوع واقعیت ندارد و این کلمه ما را هراسان نمی‌سازد. بگذار امریکائی‌ها هرچه دل‌شان خواست بگویند. مثال خوبی در میان روستائیان ما وجود دارد که می‌گوید: "مرغ عمانی گنده است." آنان به خوشی‌های ما برجسب کمونیزم می‌زنند، خوب، به هر صورت، اگر این رفاه بدست آمده ما کمونیزم است، بسیار خوب، پس به من کمونیست بگویید!

پرسش: رفیق فرمانده، شما در مورد حزب محبوب سوسیالیست که همانا حزب کمونیست کاسترو است، چه فکر می‌کنید؟

پاسخ:

این تنها حزب کیوبائی است که همواره خواهان تغییرات رادیکالی در ساختارهای اجتماعی و مناسبات اجتماعی می‌باشد. این یک واقعیت است که در آغاز کار کمونیست‌ها به من اعتماد نداشتند و ما را شورشی می‌نامیدند. عدم اعتماد آنان توجیه پذیر است و موقف سیاسی و ایدیولوژی آنان درست بود. این موضوع از آنجا توجیه پذیر بود که هنگامی ما که سرگرم نبرد با دولت پیشین کیوبا بودیم، ما هنوز در چنگال افکار بورژوائی بودیم. با آن که ما آثار مارکس و لنین را خوانده بودیم، ولی هنوز هم افکار روشنی نداشته ایم و فقط آرزو داشتیم که دولت ظالم را نابود سازیم. پس از سرنگونی رژیم، ما با کمونیست‌ها دیدار کردیم و یک دیگر خود را درک کردیم. ما یک جا با کمونیست‌ها کار مشترک را آغاز کردیم. کمونیست‌ها نیز خون زیادی در راه آزادی کیوبا ریختند. اکنون ما یک جا با هم با وفاداری و برادری باهم کار می‌کنیم.

پرسش: به نظر شما، با انکشافات اخیر در انقلاب کیوبا، آیا دید تاریخی امریکائی‌لاتین تغییر یافته است؟ به عبارت دیگر، آیا شما باور دارید که مثال کیوبا توسط مردم دیگر بخش‌های قاره امریکا تعقیب خواهد شد؟

پاسخ:

بلی، من اینگونه فکر می‌کنم.

پرسش: آیا شما می‌خواهید بگویید که مردم دیگر کشورهای امریکائی‌لاتین باید جنگ افزار بدست گرفته و دولت‌های‌شان را که یا دیکتاتور استند و یا هم به امریکا فروخته شده اند، سرنگون نمایند؟

پاسخ:

بلی، ما امیدوار استیم که دیگران نیز نمونه انقلاب ما را تعقیب نمایند. باید گفت که ما یک مردم استیم، ما یک زبان مشترک را حرف می‌زنیم و فرهنگ و تاریخ مشترک داریم. به عبارت دیگر باید

گفت که قاره ما مستعمره اسپانیا بود و اکنون زیر تسلط امریکا می باشد. استعمار باید نابود شود. کشورهای وجود دارند . . .

گوش کنید: من از شما میخوام تا این موضوع را نوشته نکنید زیرا من خواهان ایجاد تنش در جهان نیستم.

کشورهای وجود دارند که در آن جا ها روح بسیار نیرومند انقلابی، وطن پرستی و نفرت در برابر امپریالیزم امریکا وجود دارد. انقلاب به طور ثابت در شمار زیادی از کشورهای امریکائی لاتین صورت خواهند گرفت و خصوصی سازی و منطقه گرایی از میان خواهد رفت. امریکائی لاتین به یک قاره ای یک پارچه، بزرگ، آزاد و مستقل مبدل خواهند شد.

نمونه چین را برای شما می گویم، چینی ها با وجود عدم یگانگی، ملیت های گوناگون و لهجه های مختلف موفق شدند. انقلاب چین یک پارچه و غیر قابل شکست است.

پرسش: بسیاری روی نیروهای ملی تکیه می کنند. آیا شما فکر می کنید که طبقه متوسط ملی هنوز هم می تواند نقش مثبتی را در انقلاب امریکائی لاتین بازی کند؟

پاسخ:

من اینگونه فکر نمی کنم. این واقعیت است که شماری از بوروژا های صنعتی به خاطر رقابت های شان برخلاف امپریالیزم استند. باید بخاطر داشت که این گروه های بوروژائی به خاطر مناسبات طبقاتی شان از طبقه کارگر نفرت دارند. همواره منازعات موقتی میان منوپولیس های امریکائی و بوروژا های ملی وجود دارد ولی این منازعات یک مبارزه واقعی نیست. هیچ گونه رقابت تاریخی میان این دو گروه وجود ندارد. بوروژا های ملی همواره از فعالیت های امپریالیزم در برابر انقلاب اجتماعی ما حمایت می کنند. طبقات صاحب امتیاز در انقلاب های واقعی اشتراک نمی کنند و این یک واقعیت است.

پرسش: پس به نظر شما، کدام نیروهای تاریخی وظیفه منسجم ساختن انقلاب ها را در امریکائی لاتین به عهده دارند؟

پاسخ:

پرولتاریا های صنعتی و کشاورزی، کشاورزان، بوروژا های کوچک و در مجموعه روشنفکران. من نمی خواهم جدائی را تشویق کنم و هم نمی توانم از این واقعیت چشم بپوشم که شماری از بوروژا های ملی از رویداد های انقلاب حمایت می کنند. من میگویم که فرزندان بوروژا ها می توانند در انقلاب ها سهم شوند و مردم را رهبری نمایند و به عنوان مردمان آگاه با تئوری انقلابی آشنا شوند. (به هر صورت، من خودم فرزند یک زمین دار بزرگ استم). بلی این دلایل من از نگاه طبقاتی است. ما انتظار بیشتری از بوروژاها به عنوان یک طبقه نخواهیم داشت. در باره ارتش های ملی باید گفت

که انقلابی ها و افسران وطن پرست را می توان در همه جا یافت، اما ارتش های مسلکی مانند سرطان در امریکائی لاتین استند که باید نابود شوند. تا زمانی که ارتش ها نابود نشوند، دولت واقعی مردم نمی تواند ایجاد شود و اصلاحات اجتماعی نمی تواند راه اندازی گردید. به مجرد اصلاحات بسیار کوچک و معتدل، ارتش ها فوراً مداخله کرده و همه چیز را فلج می کنند و زمانی که فساد در یک دولت رشد می کند، دوباره همین ارتش دست بکار شده و با یک کودتا قدرت را ضبط کرده و دولت تازه را جابجا می سازند که به مراتب بدتر از دولت فاسد پیشین است. این ها درس های از تاریخ استند.

پرسش: در شماری از کشورها، بورژوا های ملی بسیار نیرومند استند و سرنگون ساختن آنان ساده نیست. بورژواها همراه با زمین داران بزرگ، جنرال ها و دیگر باند ها نیرومند استند.

پاسخ:

در کیوبا، گروه بورژوا بسیار نیرومند بودند. آنان همه چیز را اداره می کردند. ارتش، رسانه ها، قوه قضاییه، رادیو، مکاتب، پوهنتون ها، پولیس و همه چیز زیر اداره آنان بود. با وجود این، ما برنده شدیم. کارگران مسلح و تنظیم شده و دانشجویان. این تنها نیروی انقلابی قاره لاتین بود.

پرسش: فرمانده، سهم اردوگاه سوسیالیزم در انقلاب کیوبا چه بود؟

پاسخ:

فرزند من، میدانی در صورتی که خروشچف برای ما تیل ارسال نمی کرد و بوره تولید شده ما را نمی خرد، برای ما چه اتفاق می افتد؟ و یا اگر چک ها جنگ افزار برای دفاع از ما، ماشین ها و متخصصان را نمی فرستادند، ما چه سرنوشتی می داشتیم؟

ما در این جا میان دوصد تا سه صد متخصص شوروی را با خود داریم. آنان کارگران بزرگ، مردمان درست کار، مهربان و برادران واقعی ما استند. اتحاد شوروی برای دفاع از جزیره کوچک ما با صلح اش، قربانی بیست میلیون شهروند شوروی و حیثیت و اعتبار جهانی اش قمار کرده است. شوروی این کار را بدون درخواست چیزی از کیوبا انجام می دهد. و شما از من می پرسید که من در باره اردوگاه سوسیالیست چه می اندیشم؟ آنان دوستان ما استند.

من یک انسان همانند دیگران استم. برای نمونه، این دوست در اینجا (او با انگشت اش اشاره ای به من کرد) نگران است که مبادا نتواند که یک مقاله خوب بنویسد. درست می گویم؟ من نگران این استم که مبادا من نتوانم که کار خوبی را به عنوان یک انقلابی انجام بدهم. . . درد کشتار مردم را نیز باید به آن افزود. آیا فکر می کنی که ما از کشتار لذت می بریم؟ ما مجبور استیم که این کار را بکنیم. هراس افگنان بم گذاری می کنند و نظامیان را می کشند. آیا به یاد داری که آنان چگونه یک کشتی

فرانسوی را منفجر ساختند. یک صد نفر کشته شدند. (در چهارم ماه مارچ سال ۱۹۶۰، کوبارا، یک کشتی فرانسوی مجهز به جنگ افزارهای بلژیکی در ساحل هاوانا منفجر شد.)
این بسیار وحشت ناک است که مردم را باید اعدام کرد. (در هنگام ادای این کلمات، چشمان کاسترو پر از اشک شد و صدایش گرفته شد.) حرف مرا باور کن. این مبارزه مرگ و زنده گی است. یا ما باید زنده باشیم و یا مخالفان ما. ما باید از انقلاب دفاع کنیم و آن را به سوی آینده رهبری کنیم. ما نمی توانیم ضعف را اشکار کنیم.

خبرنگار: سپاس از شما فرمانده کاسترو.

فیدل کاسترو: خوب، ایتالوی. چانس خوب با این مصاحبه برای ات میخواهم.

Fri, September 10, 2010 15:07

www.esalat.org